

# زنان برای زنان (بخش اول)

Photo: studiostoks/depositphotos.com

معین خزائلی

یکی از دلایلی که همواره از سوی وکیلان دادگستری و فعالان حقوق زنان به عنوان دلیلی بر عدم تمایل آسیب دیدگان خشونت خانگی، به ویژه زنان، در مراجعه به پلیس و گزارش خشونت واقع شده مطرح می‌شود، نامناسب بودن برخورد نیروهای پلیس با خشونت دیدگان و به دنبال و در نتیجه آن، عدم توجه به شکایت آنان از طریق بی‌توجهی، عادی جلوه دادن خشونت و سرزنش خشونت دیده است.

در همین زمینه یافته‌های یک پژوهش که در سال ۰۹۳۱ در تهران انجام شده حکایت از اعتماد نداشتن آسیب دیدگان خشونت خانگی، به ویژه زنان، به پلیس و در نتیجه عدم تمایل به گزارش موارد وقوع خشونت دارد.

بر اساس این پژوهش تنها بخش کوچکی از این خشونت دیدگان اقدام به گزارش خشونت علیه خود به پلیس کرده و باقی ترجیح داده‌اند مشکل خود را به طریق و از راه دیگری حل کنند. ضمن اینکه آسیب دیدگانی هم که اقدام به گزارش خشونت واقع شده به پلیس کرده‌اند از عدم رسیدگی و بی‌توجهی پلیس به اظهارات خود ناراضی بوده‌اند. (۱)

از سوی دیگر پژوهش دیگری نیز نشان می‌دهد تنها ۵۳ درصد از موارد وقوع خشونت خانگی در ایران به پلیس گزارش شده و ۵۶ درصد دیگر اساساً حتی به مرحله رسیدگی پلیس به عنوان مرحله پیش از رسیدگی قضایی نمی‌رسند.

بر اساس این پژوهش از میان ۰۸۱ مورد شکایت خشونت خانگی، در ۸۲۱ مورد خشونت دیدگان حاضر به پیگرد قانونی فرد خشونت‌گر نشده‌اند. (۲)

در این میان جدای از اعتماد نداشتن به پلیس به دلیل باور به ناتوانی این نیرو در حمایت از خشونت دیدگان در خشونت خانگی که خود ناشی از وجود قوانین ناکارآمد حمایتی از جمله جرم انگاری نشدن مستقل خشونت خانگی است، به تجربه ثابت شده که ساختار مردسالارانه این نیرو در ایران نیز یکی از دلایل اصلی عدم تمایل زنان آسیب دیده در خشونت خانگی برای مراجعه به پلیس و گزارش خشونت است. ساختاری که به ویژه در جامعه ایران، با توجه به تفکیک جنسیتی آن با تاکید بر بعد مذهبی و دینی‌اش، به مراتب زنان خشونت دیده را در جایگاه آسیب‌پذیری بیشتر قرار می‌دهد.

## افسران پلیس زن و نقش حمایت‌گری اجتماعی

امروزه نقش حمایت‌گری اجتماعی پلیس جدای از نقش اقتدارگرایانه آن موضوعی است که در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته و از این رو برنامه‌ها و دستورالعمل‌های ثابت و کاربردی فراوانی در مورد این جنبه از فعالیت‌های این نیرو در این کشورها به اجرا در می‌آید.

پلیس از آنجا که در قریب به اکثریت موارد اولین ملجاء و پناهگاه قانونی و دفاعی برای آسیب دیدگان و بزه دیدگان جرم است، نقش به سزایی در حمایت از خشونت دیدگان ایفا می‌کند.

در این میان پذیرایی از خشونت دیده و بزه دیده به عنوان یک فرد نیازمند حمایت و نه صرفاً یک شاکی (بر خلاف نقشی که عموماً شاکیان در دادسراها یا دادگاه‌ها دارند)، ایجاد شرایط امن برای او، تشویق و ترغیب بزه دیده به گزارش جرم به روش قانونی، دادن حس اطمینان به حمایت از او و همچنین ایجاد شرایط مطلوب برای تشویق خشونت دیده به منظور صحبت کردن و ارائه جزییات، از جمله اقداماتی هستند که جنبه حمایت‌گری اجتماعی پلیس در آن‌ها مشهود است و تأثیری جدی در ایجاد شرایط مطلوب برای افزایش تمایل بزه دیدگان به مراجعه به پلیس خواهند داشت.

در راستای این نقش، استفاده از افسران پلیس زن به ویژه در مواردی که بزه دیده کودک یا زن باشد، امروزه به رویه‌ای معمول و کاربردی برای پلیس در بسیاری از کشورها تبدیل شده و گزارش‌های فراوانی از تشکیل موفقیت‌آمیز کلانتری‌های زنان به ویژه در کشورهایی که در آنها شکاف و تفکیک جنسیتی همچنان پابرجاست، منتشر شده است.

بر همین اساس، رسیدگی به جرایم خشونت خانگی با تاکید بر حمایت از زنان آسیب دیده از این خشونت، یکی از فعالیت‌هایی است که افسران پلیس زن در نقش حمایت‌گری اجتماعی خود در کشورهایی مانند هند، پرو، بنگلادش، اندونزی، برزیل و شیلی انجام می‌دهند.

وجود سال‌ها فرهنگ مردسالاری در ساختار اجتماعی و فرهنگی این کشورها و همچنین نقش دین و مذهب به عنوان یک عنصر اجتماعی پر نفوذ در میان روابط اجتماعی به علاوه فرهنگ غالبی که در آن زنان خود مقصر خشونت خانگی اعمال شده بر آنان شناخته می‌شوند، سبب شده است زنان در این کشورها تمایلی به مراجعه به پلیس برای کمک گرفتن در موارد وقوع خشونت خانگی نداشته باشند. در چنین شرایطی به اعتراف گزارش‌ها، تشکیل کلانتری‌های زنان و استفاده از افسران پلیس زن برای ترغیب و تشویق زنان به گزارش موارد خشونت خانگی بسیار مفید و موثر بوده‌اند.

در همین زمینه نیاز خشونت دیده به حمایت روحی و روانی از طریق همدردی با او و درک احساسات او نسبت به شرایط و خشونت رفته بر او از یک سو و برخورد همراه با احترام و صمیمیت از طریق برقراری ارتباط نزدیک و دوستانه با او، رفتاری است که به نظر می‌رسد در شرایط دشوار روحی و روانی خشونت دیده، از عهده افسران پلیس مرد برنیاید. به ویژه اینکه فرهنگ غالب مردسالار سبب می‌شود که هم خشونت دیده و هم افسر پلیس مرد، هر چند به طور ناخواسته، در چرخه‌ای از قدرت نابرابر جنسیتی گرفتار شوند که این وضعیت ممکن است به حس سرزنش خشونت دیده در مقصر دانستن او در وقوع خشونت از سوی مامور پلیس مرد منجر شود. ضمن اینکه خود فرد خشونت دیده نیز به دلیل وجود چنین فرهنگ غالبی احتمالاً از نشان دادن احساسات واقعی‌اش نسبت به خشونت‌گر خودداری کرده و در نهایت ممکن است از پیگیری منصرف شود.

از سوی دیگر، تاکید بر خصوصی، خانوادگی و ناموسی تلقی شدن مسائل بین زوجین در جوامع عموماً سنتی همراه با نقش‌های سنتی زنان و مردان، سبب می‌شود که زنان خشونت دیده در خشونت خانگی همواره از بیان تمام جزئیات روی داده در صحبت با افسران پلیس مرد، به ویژه در مواردی که خشونت تا حدودی رنگ و بوی جنسی داشته باشد، خودداری کرده و در روند رسیدگی مقدماتی که همان گزارش وقوع جرم به پلیس است، بار دیگر در موقعیت ضعف قرار بگیرند.

در چنین شرایطی است که وجود افسران پلیس زن می‌تواند اعتماد آسیب دیدگان و بزه دیدگان خشونت خانگی را نسبت به پلیس افزایش داده و آنان را به گزارش خشونت و مراجعه به پلیس در موارد وقوع آن ترغیب کند. اگرچه روشن است که این نقش حمایت‌گری اجتماعی از سوی افسران پلیس زن نیاز به اقدام عملی قانونی در تعقیب مجرم و مجازات او و وجود حمایت‌های قانونی لازم از خشونت دیده دارد و صرف ارائه این حمایت‌ها کافی نخواهد بود.

## نقش زنان پلیس در ایران

در ایران اما ورود زنان به نیروی پلیس با تصویب تبصره‌ای از سوی مجلس شورای اسلامی در سال ۸۷۳۱ (۳) میسر شده و از آن زمان تا کنون بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، زنان فراوانی به استخدام پلیس درآمده و در این نیرو مشغول به کار شده‌اند.

با وجود این اما عمده فعالیت نیروهای زن در پلیس ایران معطوف شده است به رسیدگی به جرایم انجام شده از سوی زنان و به ویژه برخورد با آنچه که از سوی نیروی انتظامی بی‌حجابی و بدحجابی خوانده می‌شود.

در همین زمینه ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۴۹۳۱ نیز وظیفه نیروهای زن پلیس به عنوان ضابط قضایی را «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ» تعیین کرده است.

تنها کلانتری زنان در ایران نیز اگرچه به گفته سرهنگ خدیجه خزایی، فرمانده این کلانتری «با هدف پیشگیری از آسیب‌های خاص زنان و رسیدگی به جرایم زنان» در سال ۲۸۳۱ در مشهد تشکیل شده، اما عمده فعالیت آن به وظایف تصریح شده در قانون محدود مانده و نقش حمایت‌گری اجتماعی پیدا نکرده است.

اصلی‌ترین این وظایف مشخص شده در قانون اما به گفته سرهنگ جلال میرزاییگی، معاون هماهنگ کننده انتظامی استان ایلام در سال ۶۹، «حضور در ماموریت‌هایی است که بایستی در آنها جهت صیانت از ارزش‌های دینی از پلیس زن استفاده گردد از جمله بازرسی مرتبط با بانوان، آزمون راهنمایی و رانندگی مخصوص زنان، انگشت نگاری بانوان، بازدید اماکن خاص زنان و مبادی ورود و خروج از کشور.»

بیشتر بخوانید:

[بهره‌کشی والدین از کودکان: دولت چه می‌کند؟](#)

[قربانیان خشم و ناموس](#)

[نسبت حاشیه‌نشینی با خشونت خانگی علیه کودکان](#)

تصریح آیین‌نامه‌ها و قوانین موضوعه در ایران در این زمینه در حالی است که اساساً یکی از اهداف اصلی به کارگیری زنان در نیروهای پلیس (جدای از فرصت شغلی برابر با مردان و انجام وظایف مربوط به جرایم زنان) حمایت از آسیب دیدگان زن به ویژه در جرایم مربوط به خشونت علیه زنان و به ویژه در کشورهایی است که در آنها ساختار قدرت اجتماعی و فرهنگی همچنان بر پایه‌های مردسالاری و تفکیک‌های جنسیتی استوار است.

از سوی دیگر اما برخی گزارش‌های منتشر شده در مورد فعالیت‌های حمایت‌گری اجتماعی زنان پلیس در ایران در موارد برخورد با آسیب دیدگان خشونت، به ویژه خشونت خانگی، نشان می‌دهد که اکثر آنان رضایتی از برخورد زنان پلیس ندارند.

ترغیب به صبر و تحمل در برابر خشونت‌گر و به نوعی سرزنش خشونت دیده از جمله رفتارهای نامناسبی بوده که از مراجعه‌کنندگان در این زمینه گزارش شده است.

از این رو به نظر می‌رسد جای خالی زنان در پلیس ایران به عنوان یک نیروی حمایت‌گر اجتماعی به ویژه در برخورد با زنان خشونت دیده در خشونت خانگی محسوس است و این عدم حضور، خود می‌تواند از جمله علل تمایل نداشتن زنان خشونت دیده برای مراجعه به کلانتری‌ها و گزارش خشونت واقع شده، باشد.

### پانویس:

۱. فرهنگ خشونت خانگی علیه زنان با تأکید بر نقش پلیس در کاهش آن، سهیلا صدقی فسایی و آتنا کامل قالیباف، ۰۹۳۱، تهران
۲. شکوه نوابی نژاد، رییس انجمن ایرانی مطالعات زنان، آذر ماه ۴۹۳۱.
۳. تبصره ماده ۰۲ اصلاحی قانون مقررات استخدامی ناجا مصوب ۸۷۳۱: «نیروی انتظامی می‌تواند از خدمات پرسنل زن در مواردی از قبیل آزمون‌های راهنمایی و رانندگی، بازرسی زنان، صدور گذرنامه برای زنان، اداره زندان‌های زنان استفاده کند و اولویت در این گونه مشاغل با پرسنل انتظامی زن است.»